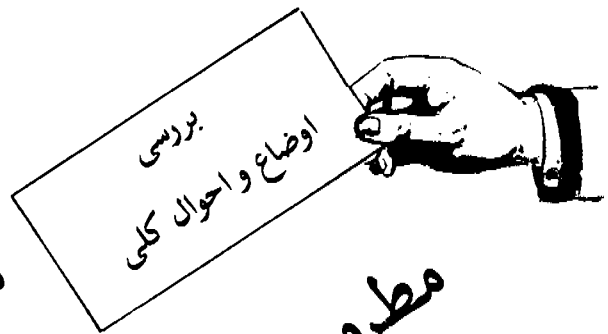


مذاکرات دور اروگوئه و مسائل مطروحه در راستای اصلاح کشاورزی



مقدمه

مذاکرات تجاری چند جانبه مرتبط با دور اروگوئه، چارچوبی فراهم ساخت که از سال ۱۹۸۶ به بعد، تلاشهایی چند جانبه جهت حصول به یک خط مشی اصلاح کشاورزی - آنها تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) - صورت گیرد. براساس برنامه در نظر گرفته شده، قرار بود که دور اروگوئه تا پایان سال ۱۹۹۰ به پایان رسد، مع هذا بدلیل تداوم اختلاف نظر شدید مابین کشورهای شرکت کننده در مورد بعضی از حیطه های کلیدی مذاکرات - منجمله اصلاح کشاورزی - عملاً به پایان رسیدن دور اروگوئه در زمان برنامه ریزی شده امکان پذیر نگردید. مذاکرات دور اروگوئه بعد از نشست وزرای

کشورهای عضو - که در بروکسل و در تاریخ دسامبر ۱۹۹۰ صورت گرفت - به حالت تعلیق درآمد، ولی از ماه فوریه ۱۹۹۱ به بعد مجدداً شروع گردید. در این مقاله تحولات مربوط به مذاکرات کشاورزی از سال ۱۹۸۶ به بعد مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله همچنین به بررسی مسائل عمده و پیشنهادات مربوط به حصول یک خط مشی اصلاح کشاورزی چند جانبه می پردازد و ضمناً تأثیرات چنین تصمیم گیریهایی را بر کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه قرار می دهد.

برای بسیاری از کشورها، تجارت محصولات کشاورزی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.

تولید و تجارت محصولات کشاورزی، و سیاست‌های ملی

به عنوان زمینه ای برای درک پاره ای از مسائل متنازع مربوط به مذاکرات کشاورزی و نیز تأثیر پیشنهادات گوناگون تحت بررسی — به ویژه از نقطه نظر کشورهای در حال توسعه — مفید خواهد بود که بطور خلاصه به بررسی تولید و تجارت محصولات کشاورزی و اهمیت نسبی کشاورزی در اقتصادهای ملی و نیز سیاست‌های ملی مرتبط با تجارت محصولات کشاورزی مبادرت شود.

الف — تولید و تجارت جهانی محصولات کشاورزی: الگوی کلی و اهمیت نسبی آن در اقتصادهای ملی
گرچه از جنگ جهانی دوم به بعد تجارت جهانی محصولات کشاورزی — شامل محصولات مناطق معتدله و گرمسیری — در مقایسه با تجارت جهانی

دیگر کالاها با کاهش روبرو بوده، لکن میزان آن که در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ گردید هنوز هم رقم مهمی است و برای بسیاری از کشورها — خواه وارد کننده و خواه صادرکننده — تجارت این محصولات از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.^۱

مواد غذایی حدود سه چهارم و مواد خاّم نیز یک چهارم از ارزش تجارت جهانی محصولات کشاورزی را تشکیل می‌دهد. از لحاظ تولید و اشتغال نیز هر چند سهم کشاورزی در تولید جهانی (تولید ناخالص داخلی) و سهم نیروی شاغل در بخش کشاورزی در مقایسه با کل نیروی شاغل به مرور در حال کاهش می‌باشد، لکن برای تعداد کثیری از کشورها — خاصه کشورهای در حال توسعه — هنوز هم بخش کشاورزی هم به لحاظ اهمیت نسبی و هم به لحاظ اهمیت مطلق دو عامل یاد شده، واجد اهمیت فراوان است.

(۱): اگر ارزش محصولات بخش ماهیگیری و جنگل رانیز به رقم یاد شده بیفزائیم، کل این رقم به ۴۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ بالغ می‌شود. باید توجه داشت که از جنگ جهانی دوم به بعد ارزش تجارت جهانی محصولات کشاورزی دچار کاهش نگردیده، بلکه رشد آن در مقایسه با رشد تجارت جهانی دیگر محصولات کند تر بوده است. این امر هم معلول رشد کندتر حجم تجارت و هم متأثر از روند نزولی قیمت‌های جهانی محصولات کشاورزی در مقایسه با قیمت‌های دیگر کالاها — به ویژه کالاهای صنعتی — می‌باشد.

برای نمونه، براساس ارقام مندرج در جدول شماره ۱، در حالیکه در سال ۱۹۸۸ بخش کشاورزی کشورهای پیشرفته سرمایه داری تنها حدود دو درصد از تولید ناخالص داخلی آنها را تشکیل می‌داد، لکن این نسبت در مورد کشورهای در حال توسعه برابر با ۱۵ درصد بود (۹ درصد در مورد کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، ۲۲ درصد در مورد کشورهای شرق آسیا، ۳۳ درصد در مورد کشورهای جنوب آسیا و بالاخره ۳۴ درصد در مورد کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا). در واقع، این ارقام کلی آنطور که شایسته

است نشان دهنده نقش بخش کشاورزی در ارزش پولی تولید ناخالص داخلی تعداد کثیری از کشورهای در حال توسعه نمی‌باشد. از لحاظ اشتغال نیز سهم بخش کشاورزی در جذب نیروی کار بطور کلی بیش از نقش آن در تولید ناخالص داخلی است. نزدیک به ۶۰ درصد نیروی کار کشورهای در حال توسعه (۶۶ درصد در آفریقا، ۲۷ درصد در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب و ۵۵ درصد در آسیا) درآمدهای خود را در سال ۱۹۸۹ مدیون بخش کشاورزی هستند و این در حالی است که تنها ۶ درصد از نیروی کار کشورهای

جدول ۱ - سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (GDP) و اشتغال نیروی کار در مناطق منتخب در سالهای ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۶۵

واحد: درصد

سهم از کل نیروی شاغل		سهم از "تولید ناخالص داخلی" (GDP)		منطقه و یا گروه کشورها
۱۹۸۹	۱۹۶۵	۱۹۸۸	۱۹۶۵	
۵/۹	۱۶/۵	۲/۳	۵/۵	کشورهای پیشرفته سرمایه داری
۵۷/۱	۷۰/۶	۱۵/۴	۲۸/۴	کشورهای در حال توسعه
۶۶/۵	۷۸/۹	۲۰/۸	۳۵/۳	آفریقا
		۳۴	۴۱	کشورهای جنوب صحرای آفریقا
۲۷	۴۴/۵	۹/۲	۱۵/۷	آمریکای لاتین
۵۵	۶۷/۵	۱۷/۸	۳۸	آسیا
		۲۲	۴۱	شرق آسیا
		۳۳	۴۴	جنوب آسیا

مأخذ:

UNCTAD, *Trade and Development Report 1991* (New York: UN pub., 1991), p. 149.

پیشرفته سرمایه‌داری از عایدات بخش کشاورزی روزگاری می‌گذرانند.

وابستگی شدید ساختاری کشورهای در حال توسعه به تولیدات کشاورزی بمنزله وابستگی شدید ساختاری این کشورها به صادرات محصولات کشاورزی است. در مورد اکثریت کشورهای در حال توسعه، سهم محصولات کشاورزی از کل صادرات

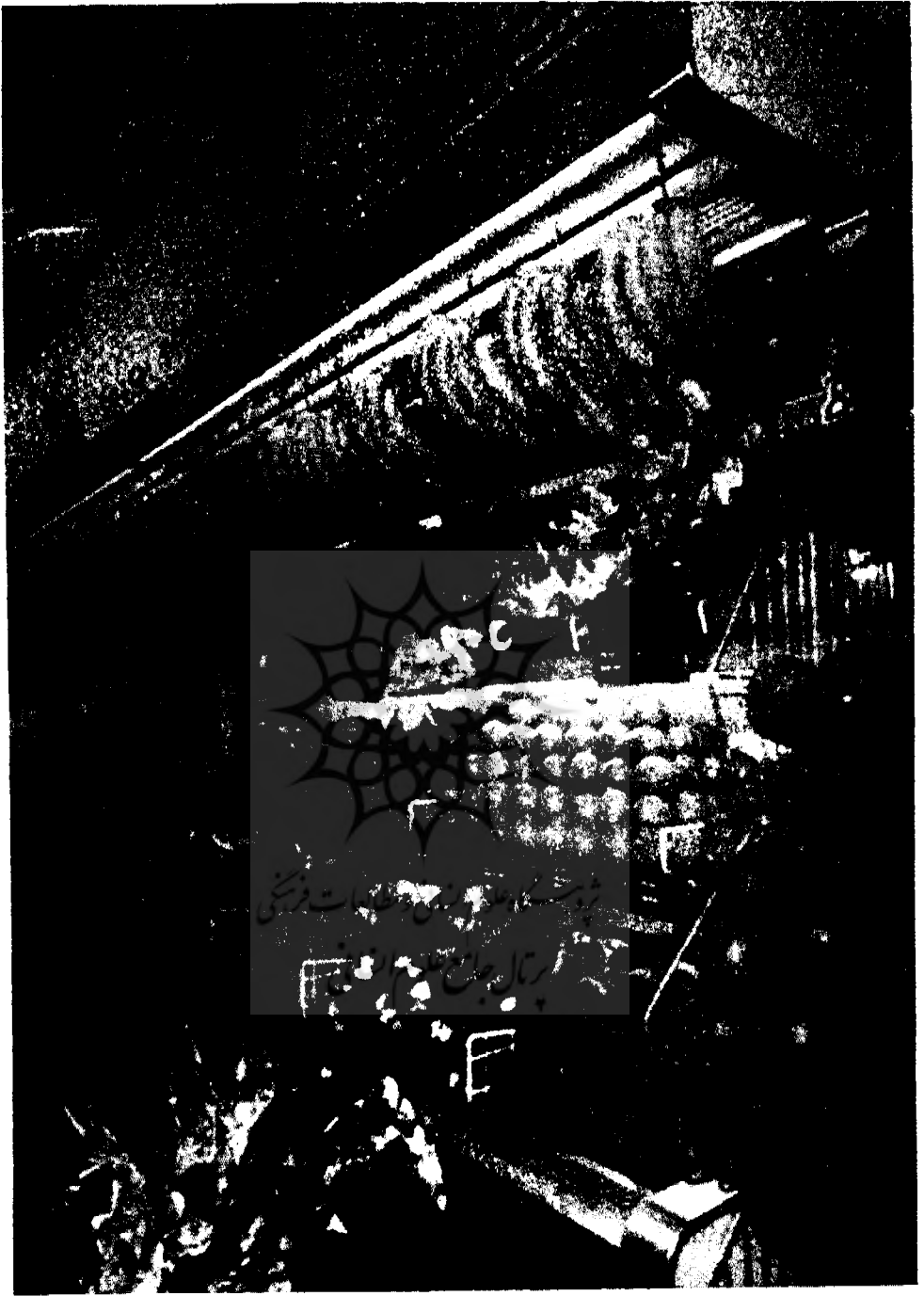
«EEC» و ژاپن نیز رقمی کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

البته لازم است که مابین آن دسته از محصولات کشاورزی عمدتاً تولید شده در کشورهای در حال توسعه که برای آنها در کشورهای پیشرفته جایگزینی یافت نمی‌شود (نظیر محصولات مناطق گرمسیری، از جمله قهوه، کاکائو، چای، ادویه، موزو

مواد غذایی حدود سه چهارم و مواد خام نیز یک چهارم از ارزش تجارت جهانی محصولات کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

کالائی آنها رقمی مابین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد می‌باشد. معذک از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تنها نیوزیلند است که سهم صادرات محصولات کشاورزی آن در مقایسه با کل صادرات کالائی این کشور رقمی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد را دربر می‌گیرد. سهم صادرات محصولات کشاورزی کشورهای عضو «سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی» (OECD) از کل صادرات کالائی آنها رقمی در حدود ۸ درصد است. این سهم در مورد کشور نیوزیلند برابر با ۶۰ درصد، در مورد استرالیا معادل با ۳۵ درصد، در تعدادی از کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا» (EEC) (دانمارک، یونان و ایرلند) چیزی بیش از ۲۰ درصد، در مورد ایالات متحده رقمی برابر با ۱۳ درصد و بالاخره در مورد تمام کشورهای اروپائی غیر عضو

کائوچوی طبیعی)، با آن دسته از محصولات که یا در کشورهای پیشرفته تولید شده و یا جایگزین نزدیکی برای آنها در این کشورها یافت می‌شود (نظیر غلات، گوشت، لبنیات، سبزی و میوه‌جات، روغنهای خوراکی و شکر)، تفاوت قائل گردید. محصولات کشاورزی گروه اخیر که در برگیرنده مواد غذایی اساسی می‌باشند اغلب تحت عنوان محصولات کشاورزی نواحی و مناطق معتدله خوانده شده و بخش اعظم ارزش تجارت جهانی محصولات کشاورزی را تشکیل می‌دهند. به استثنای شکر، صادرکنندگان اصلی این محصولات را نیز می‌باید در میان کشورهای پیشرفته جستجو نمود. در حالیکه کشورهای در حال توسعه وابستگی شدیدی به صادرات محصولات کشاورزی مناطق گرمسیری دارند، خود بعنوان یک گروه (البته به جز



جدول ۲ - سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات جهانی محصولات کشاورزی، طی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۹
واحد: درصد

نام محصول	سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰-۱۹۸۲	۱۹۸۹
غلات		۱۵/۶	۱۳/۷	۱۱/۷
گوشت		۲۰/۳	۱۴/۲	۱۱/۶
روغنهای خوراکی		۲۴/۷	۴۳/۷	۴۷/۵
لبنیات		۲/۱	۲	۲/۴
شکر		۶۸/۲	۶۰/۷	۵۲/۲
نوشیدنیهای مناطق گرمسیر		۹۱/۲	۸۴/۷	۷۸/۴
ادویه		۸۵/۶	۸۱/۶	۷۲/۴
تونون و تنباکو		۲۵/۴	۲۷/۶	۲۴/۷
ریشه‌ها و غده‌های خوراکی		۳۴/۹	۴۲/۷	۴۱/۹
انواع میوه		۲۳/۳	۳۶/۷	۳۸/۶
سبزیجات		۲۹/۷	۳۰/۳	۲۵/۲
کل محصولات کشاورزی (۱)		۳۵/۶	۲۹/۴	۲۵/۹

(۱): با استثنای انواع ماهی و فرآورده‌های حاصل از جنگل
مأخذ:

UNCTAD, *Trade and Development Report 1991* (New York: UN pub., 1991), p. 150.

کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری متمرکز گردیده است. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۹، سهم صادرات کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از کل صادرات جهانی مواد غذایی و مواد خام کشاورزی از ۵۸ و ۵۵ درصد به ۶۷ و ۶۶ درصد فزونی یافته است. در مورد کشورهای در حال توسعه نتیجه کاملاً برعکس بود. به بیانی دیگر، سهم این

استثنائاتی چند)، به واردات محصولات کشاورزی مناطق معتدله و از جمله مواد غذایی پراهمیتی چون غلات، لبنیات، گوشت و روغنهای خوراکی نیز وابسته می‌باشند.

قابل ذکر است که تجارت جهانی محصولات کشاورزی - خواه در قالب صادرات و یا واردات آنها - در دست

کشورها از کل صادرات جهانی مواد غذایی و مواد خام کشاورزی، در طی همین مدت دچار کاهش شده است. همچنانکه در جدول شماره ۲ مشاهده می‌گردد، سهم کشورهای در حال توسعه از کل صادرات جهانی محصولات کشاورزی و به ویژه در مورد اقلامی چون گوشت، غلات، شکر، نوشیدنیهای مناطق گرمسیر، ادویه و سبزیجات با کاهش چشمگیری روبرو گردیده است.

از لحاظ واردات نیز سهم کشورهای پیشرفته از واردات جهانی محصولات کشاورزی، بطور کلی در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ روبه کاهش گذاشت، حال آنکه در مورد کشورهای در حال توسعه مجموعاً

غذائی روبرومی‌باشند— جمعاً به حدود ۱۰ میلیارد دلار رسید. برطبق اطلاعات «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (FAO)، کشورهای گروه اخیر، در چند سال گذشته با کاهش شدید امکان تأمین مواد غذایی مورد احتیاج خود از طریق تجارت روبرو گردیده‌اند، که این امر معلول دلایل چندی از جمله کاهش درآمدهای صادراتی، بالا بودن اصل و فرع پرداختی مربوط به وامهای دریافتی، سایر محدودیت‌های مالی—اقتصادی، و بالاخره کاهش سطح کمکهای بلاعوض مواد غذایی می‌باشد. در سال ۱۹۸۹، ۲۸ کشور در حال توسعه جزء صادرکنندگان خالص مواد غذایی قلمداد گردیدند که کل خالص

نزدیک به ۶۰ درصد نیروی کار کشورهای در حال توسعه، درآمدهای خود را مدیون بخش کشاورزی هستند.

روندی صعودی به خود گرفت. در سال ۱۹۸۹، واردات ناخالص مواد غذایی کشورهای در حال توسعه به حدود ۶۲ میلیارد دلار و واردات خالص مواد غذایی این کشورها به سطح بی سابقه ۱۷ میلیارد دلار رسید (جدول شماره ۳). در این میان، خالص واردات مواد غذایی تمامی کشورهای در حال توسعه واردکننده خالص مواد غذایی به حدود ۳۶ میلیارد دلار بالغ گشت، حال آنکه واردات کشورهای در حال توسعه کم درآمد— که با کمبود مواد

صادرات آنها به حدود ۱۹ میلیارد دلار بالغ گردید.

از سوی دیگر، کشورهای پیشرفته سرمایه داری چه در گذشته و چه در حال حاضر به عنوان بازارهای عمده صادرات محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند. معهذاً، بازارهای یاد شده— که در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بگونه ای فزاینده مورد حمایت قرار گرفتند— با شتاب نسبی اندکی پنیرای ورود محصولات کشاورزی کشورهای در حال

جدول ۳ - تجارت مواد غذایی، کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۹

واحد: میلیون دلار (آمریکا)

شرح	واردات	صادرات	خالص واردات
کشورهای در حال توسعه (۱۳۲ کشور)	۶۱۶۳۰	۴۴۹۳۷	۱۶۶۹۴
صادر کنندگان خالص (۲۸ کشور)	۱۲۵۵۰	۳۱۴۰۷	-۱۸۸۵۷
واردکنندگان خالص (۱۰۴ کشور)	۴۹۰۸۰	۱۲۵۳۰	۳۵۵۵۰
کشورهای کم درآمد مواجه با کمبود مواد غذایی ^(۲) (۶۹ کشور)	۱۹۷۳۴	۹۷۷۹	۹۹۵۵
	۳۱۶۲۰۲		

بهار

(۱) براساس تعریف «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (FAO)، «مواد غذایی» تمام محصولات را شامل می‌شود که قابل خوردن بوده و در حالت خام یا پردازش شده خود حاوی ماده یا مواد مغذی باشند. در این بررسی، محصولات ذیل جزء این تعریف قرار نگرفته‌اند: کاکائو، نوشیدنیهای مناطق گرمسیر، ماهی و فرآورده‌های حاصل از آن، خوراک دام و طیور، نوشابه‌های الکلی، میوه جات و ادویه جات نواحی گرمسیری و انواع دام زنده.

(۲) براساس تعریف «FAO»، شامل آن دسته از کشورهای مواجه به کمبود مواد غذایی که «تولید ناخالص ملی» (GNP) سرانه آنها کمتر از ۹۶۰ دلار (براساس قیمت‌های سال ۱۹۸۷) بوده، می‌باشد.

مأخذ:

UNCTAD, *Trade and Development Report 1991* (New York: UN pub., 1991), p. 151.

محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه به بازارهای کشورهای پیشرفته سرمایه داری، از هر بازار دیگری کندتر بوده است. در نتیجه، صادرات محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته سرمایه داری در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کاهش داشته

توسعه می‌باشند. این امر تا حد زیادی معلول اعمال سیاستهای حمایتی و سیاستهای کشاورزی کشورهای پیشرفته سرمایه داری بوده است. سیاستهای مذکور با تشویق و افزایش میزان تولیدات داخلی، اتکاء به واردات محصولات کشاورزی را کاهش داده است. بطور کلی رشد صادرات

تنها ۶ درصد نیروی کار کشورهای پیشرفته سرمایه داری از عایدات بخش کشاورزی روزگاری گذرانند.

صدور می شود. همچنین تدابیر مذکور، دربر گیرنده انواع حمایت‌های مرزی (از جمله برقراری تعرفه‌ها، افزایش تعرفه‌ها و نیز تدابیر غیر تعرفه‌ای) می‌گردد که سطح واردات را تنزل می‌دهد. از سوی دیگر، پرداخت سوبسیدهای صادراتی (که مُخل رقابت در بین کشورهای صادرکننده است) نیز جزء سیاست‌های کشورهای مختلف محسوب می‌گردد که بر جو بازار جهانی محصولات کشاورزی تأثیر می‌گذارد. در حالیکه توسل به یک یا تعدادی از خط‌مشی‌های فوق در بسیاری از کشورهای جهان امری رایج است، معذک خط‌مشی‌های مورد استفاده کشورهای صنعتی — بدلیل نقش این کشورها در تجارت جهانی — بیشترین تأثیر را بر بازار جهانی دارد.

سیاست‌های ملی حمایت از بخش کشاورزی — از جمله برنامه‌های مربوط به پرداخت سوبسید — در ابتداء به انگیزه حفظ حداقل ظرفیت تولید محصولات کشاورزی داخلی آنهم بدلیل تأمین مواد غذایی در سطح ملی و نیز کمک به نواحی روستائی جهت اجرای اهداف سیاست اجتماعی، صورت می‌گرفت، معذک اعمال سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری

است. با توجه به آنکه اتکای صادرات کشورهای در حال توسعه به بازارهای کشورهای پیشرفته چشمگیری باشد، لذا تا هنگامی که کشورهای در حال توسعه — خاصه کشورهای با وابستگی زیاد به صادرات محصولات کشاورزی — با عدم توازن دائم و قابل توجه در تراز پرداخت‌های خود با کشورهای پیشرفته روبرو می‌باشند (آنهم بدلیل بالا بودن پرداخت اصل و فرع وام‌های دریافتی و نیز واردات کالاهای سرمایه‌ای ضروری)، لازم است تا امکاناتی فراهم آید تا صادرات محصولات کشاورزی آنها به کشورهای پیشرفته افزایش یابد.

ب — سیاست‌های ملی مؤثر بر تولید و تجارت محصولات کشاورزی

خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کشورهای مختلف، بر بازار جهانی محصولات کشاورزی تأثیر می‌گذارد. تدابیر در نظر گرفته شده در این سیاست‌ها که شامل خط‌مشی‌های مربوط به حمایت‌های داخلی (پرداخت سوبسید به اشکال مختلف به تولیدکنندگان داخلی) می‌گردد سبب افزایش میزان تولید داخلی شده و در نتیجه موجب کاهش سطح تقاضای داخلی برای واردات و یا افزایش حجم محصول قابل

منجر به ایجاد ظرفیت‌های مازاد ساختاری در این بخش از اقتصاد این کشورها گردید. همچنین به منظور تقویت سیاست‌های حمایتی داخلی، کشورهای مختلف مبادرت به اعمال تدابیر تجاری گوناگون - از برقراری تعرفه گرفته تا تدابیر گوناگون و پیچیده غیر تعرفه‌ای نظیر وضع انواع مالیات، تعیین حداقل قیمت‌ها، برقراری سهمیه‌های دوو یا چند جانبه، تحدید داوطلبانه صادرات، ممنوعیت‌های وارداتی و وضع قوانین بهداشتی - نمودند تا بدینوسیله واردات محصولات کشاورزی را محدود سازند. از سوی دیگر، کشورهای صادرکننده محصولات کشاورزی نیز از صادرات به عنوان وسیله‌ای برای کمک به اهداف سیاست داخلی بهره گرفته و بویژه از پرداخت سوبسیدهای صادراتی جهت کاهش سطح ذخایر آن دسته از محصولات که با مازاد تولید روبرو بودند، استفاده نمودند.

در نتیجه تدوین و اجرای سیاست‌های دولتی در بخش کشاورزی، تعدادی از کشورهای پیشرفته‌ای که سابقاً واردکننده عمده محصولات کشاورزی محسوب می‌شدند به درجه خودکفائی در تولیدات کشاورزی رسیده و یا حتی از مرحله خودکفائی نیز گامی فراتر نهاده و تبدیل به صادرکننده عمده تعداد زیادی از محصولات کشاورزی شدند. نتیجه مهمی که از این امر حاصل آمد نه تنها کاهش و یا

حذف بازارهای سنتی کشورهای در حال توسعه، بلکه همچنین جایگزین شدن به جای این کشورها در بازارهای جهانی آنهم به عنوان صادرکننده محصولات کشاورزی بود که این امر به کمک پرداخت سوبسیدهای صادراتی صورت پذیرفت. صادرات سوبسید شده کشورهای پیشرفته سبب گردید تا صادرات غلات، گوشت، لبنیات، روغنهای نباتی و شکر کشورهای در حال توسعه به کشورهای ثالث دچار کاهش گردد.

یک ویژگی مهم ساختار تدابیر تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مؤثر بر صدور محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و بخصوص محصولات نواحی گرمسیری، افزایش سطح تعرفه‌ها در مراحل بالاتر پردازش محصولات و نیز اعمال شدیدتر تدابیر غیرتعرفه‌ای در مورد محصولات پردازش شده است. بسیاری از محصولات کشاورزی مورد علاقه کشورهای در حال توسعه جهت صدور، از تشدید موانع و محدودیت‌های تجاری شدیداً متأثر گردیده و این امر تأثیری منفی بر تلاش‌های این کشورها جهت افزایش مشارکت در تجارت جهانی محصولات کشاورزی پردازش شده برجای گذاشته است.

مجموع هزینه‌های اجرای سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو «OECD»، آنهم در قالب کل پرداخت‌های مالیات دهندگان (بدون در نظر گرفتن



در مورد اکثریت کشورهای در حال توسعه، سهم محصولات کشاورزی از کل صادرات کالائی آنها رقمی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد است.

دریافتی‌های بودجه از بابت تعرفه‌ها) و نیز پرداخت‌های مصرف‌کنندگان (از طریق افزایش سطح قیمت‌ها)، به حدود ۲۹۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ تخمین زده می‌شود که در مقایسه با رقم مربوط به سال ۱۹۸۹ حدوداً ۱۲ درصد افزون‌تر است. افزایش مذکور، پس از دو سال کاهش پی در پی آن‌هم از اوج خود در سال ۱۹۸۷، حاصل گردیده است. کاهش میزان همیاری به کشاورزان در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ خود مبین تغییرات اساسی در خط‌مشی‌های دولت است. تأثیر عمده این تغییرات نیز بهبود سطح قیمت‌ها در تعدادی از بازارهای جهانی — خاصه در مورد محصولات عمده نواحی معتدله (آن‌هم در اثر کاهش عرضه محصولات به دلیل وقوع خشکسالی) — و نیز عوامل غیر کشاورزی نظیر تغییرات نرخ برابری ارزها بوده است. معذک در سال ۱۹۹۰، جهت تغییرات این عوامل کوتاه‌مدت معکوس گردید و مجدداً مازاد عرضه ساختاری حاکم گشت؛ چرا که سطح قیمت‌های حمایتی داخلی در مقایسه با

قیمت‌های جهانی در حدی بالاتر قرار داشت. در جدول شماره ۴، میزان سوبسیدهای پرداخت شده به تولیدکنندگان (PSE)^۱، برای چندین محصول کشاورزی مشخص، در قالب درصدی از دریافتی فروش هر محصول درج گردیده است. همچنانکه مشاهده می‌شود، درصد مذکور رقم بالائی را نشان می‌دهد که این امر به ویژه در مورد محصولات نظیر شکر، غلات و گوشت — که برای بسیاری از کشورها از جنبه تجاری مهمی برخوردار می‌باشند — درخور توجه بیشتری است. این جدول همچنین نشان می‌دهد که گرچه در مقایسه با سال ۱۹۸۷ (سال اوج)، در مورد سوبسید پرداخت شده به تولیدکنندگان چند محصول مشخص، کاهش دیده می‌شود، لکن در سال ۱۹۹۰ روند مذکور در کشورهای عمده صادرکننده، عمدتاً تغییر یافته است.

برخلاف حمایت زیادی که کشورهای صنعتی از بخش کشاورزی خود به عمل می‌آورند، سیاست کلی کشورهای در حال

(1): «Producer Subsidy Equivalents»

کل میزان کمک به یک محصول مشخص، در قالب درصدی از کل ارزش دریافتی بابت فروش آن محصول.

جدول ۴ - خالص سوبسیدهای پرداخت شده به تولید کنندگان، برای محصولات کشاورزی
منتخب و کشورهای منتخب طی سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۷۹

نام محصول	۱۹۷۹- ۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۷۹- ۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۹	۱۹۹۰
	اطریش				استرالیا			
کندم	۳۲	۷۳	۳۸	۶۲	۱۰	۱۴	۱۱	۱۷
غلات حوراک دام	۲۶	۶۱	۳۴	۳۱	۷	۹	۷	۷
برنج	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲۵	۲۹	۲۳	۲۵
دانه های روغنی	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۲	۱۲	۱۶	۸
شکر	۵۸	۷۳	۶۵	۶۱	۱۶	۱۹	۱۵	۱۶
شیر	۴۷	۶۰	۴۸	۶۱	۳۱	۳۶	۲۵	۳۱
گوشت گاو	۴۳	۴۹	۵۰	۵۱	۹	۹	۹	۱۰
گوشت خوک	۹	۳۳	۱۱	۲۲	۴	۵	۴	۵
گوشت مرغ	۱۴	۲	۵۲	۴۹	۴	۴	۴	۵
	فلاور				جامعه اقتصادی اروپا			
کندم	۶۲	۸۲	۷۷	۸۱	۳۲	۶۰	۲۷	۴۶
غلات حوراک دام	۵۸	۹۰	۸۰	۸۲	۳۲	۶۸	۳۵	۵۲
برنج	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۴۶	۶۲	۵۱	۶۰
دانه های روغنی	۲۴	۹۰	۸۰	۹۶	۴۵	۷۰	۶۰	۶۹
شکر	۷۰	۸۶	۶۲	۷۶	۵۵	۷۸	۴۹	۵۷
شیر	۶۶	۷۷	۷۴	۷۷	۵۵	۶۷	۵۹	۶۹
گوشت گاو	۵۷	۶۳	۶۳	۶۲	۴۷	۴۶	۵۵	۵۴
گوشت خوک	۳۶	۴۸	۵۳	۵۵	۶	۶	۶	۶
گوشت مرغ	۴۶	۵۶	۵۲	۵۶	۲۰	۲۲	۲۶	۲۸

◁

۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۷	۱۹۷۹ - ۱۹۸۶	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۷	۱۹۷۹ - ۱۹۸۶	نام محصول
سیورلنسید				کالادا				
۱۰	۱۴	۲۵	۹	۲۳	۲۶	۵۲	۲۶	گندم
۳	۵	۵	۱۰	۲۶	۲۳	۴۹	۲۷	علات خوراک دام
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	برنج
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲۱	۲۳	۳۰	۲۰	دانه های روغنی
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۷	۱۷	۳۹	۲۵	شکر
۳	۳	۱۴	۲۳	۷۹	۷۳	۸۱	۶۶	شیر
۳	۴	۱۲	۱۴	۳۶	۳۵	۴۹	۳۲	گوشت گاو
۰	۱	۴	۱۶	۱۶	۲۴	۱۱	۱۲	گوشت حوک
۵۷	۴۹	۴۷	۲۹	۴۰	۳۷	۴۵	۲۸	گوشت مرغ
سوتیسس				زایس				
۸۱	۷۶	۸۵	۷۲	۹۹	۹۵	۱۰۳	۹۶	گندم
۸۹	۸۴	۹۱	۷۴	۹۶	۹۴	۱۰۲	۹۷	علات خوراک دام
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۸۷	۸۶	۹۴	۷۹	برنج
۹۸	۹۳	۹۵	۸۳	۶۹	۶۷	۷۹	۸۲	دانه های روغنی
۸۵	۸۳	۸۶	۷۵	۶۲	۶۳	۷۵	۶۸	شکر
۸۴	۷۶	۸۵	۷۳	۸۵	۸۳	۹۱	۸۳	شیر
۸۴	۸۴	۷۸	۷۶	۵۳	۵۹	۶۰	۶۲	گوشت گاو
۴۴	۳۸	۶۲	۴۵	۳۷	۵۳	۴۶	۴۲	گوشت حوک
۸۱	۸۲	۸۳	۸۰	۱۳	۱۳	۱۳	۱۷	گوشت مرغ
سوتسد				سروز				
۷۳	۴۱	۶۵	۳۵	۷۹	۷۶	۷۸	۶۳	گندم
۷۳	۵۳	۴۸	۳۹	۹۲	۸۶	۸۳	۷۷	علات خوراک دام
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	برنج

نام محصول	۱۹۷۹- ۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۸۶- ۱۹۸۷	۱۹۸۹	۱۹۸۷	۱۹۷۹- ۱۹۸۶
دانه های روغنی	۳۶	۴۲	۶۱	۶۸	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
شکر	۵۴	۶۲	۲۵	۶۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
شیر	۶۶	۷۱	۶۷	۷۱	۸۲	۷۹	۸۳	۷۹
گوشت گاو	۴۴	۴۶	۴۹	۴۲	۷۰	۷۲	۶۷	۶۸
گوشت خوک	۲۲	۴۱	۲۵	۱۲	۴۶	۴۷	۵۶	۴۸
گوشت مرغ	۲۶	۳۶	۳۸	۲۹	۵۹	۶۵	۶۴	۵۶
ایالات متحده آمریکا								
کندم	۲۸	۶۴	۲۵	۴۴	۲۸	۲۵	۶۴	۲۸
علات خوراک دام	۲۱	۴۶	۳۰	۲۴	۲۱	۳۰	۴۶	۲۱
برنج	۳۱	۵۰	۴۰	۴۹	۳۱	۴۰	۵۰	۳۱
دانه های روغنی	۸	۱۰	۹	۷	۸	۹	۱۰	۷
شکر	۴۶	۷۱	۲۶	۴۷	۴۶	۲۶	۷۱	۴۶
شیر	۶۳	۷۰	۵۵	۶۲	۶۳	۵۵	۷۰	۶۳
گوشت گاو	۳۴	۳۷	۳۲	۳۱	۳۴	۳۲	۳۷	۳۴
گوشت خوک	۷	۷	۷	۶	۷	۷	۷	۶
گوشت مرغ	۸	۳۵	۱۰	۱۰	۸	۱۰	۳۵	۸

(۱): کل کمک به یک محصول مشخص، در قالب درصدی از کل ارزش دریافتی بابت فروش آن محصول. بنابراین (PSE) ارزش پرداخت های انتقالی به کشاورزان براساس سیاست کشاورزی را اندازه گیری می کند.

(۲): به استثنای کشورهای پرتغال و اسپانیا در دوره زمانی ۱۹۸۵ - ۱۹۷۹
مأخذ:

UNCTAD, *Trade and Development Report 1991* (New York: UN pub., 1991), p. 152.

توسعه در رابطه با بخش کشاورزی، مبین تبعیض زیاد بر علیه این بخش است. در بسیاری از موارد، سیستم قیمت گذاری داخلی و نیز خط مشی های مالیاتی موجب گردیده که در این کشورها سطح قیمت های تولید کننده به میزان قابل توجهی از سطح قیمت های خارج کمتر باشد. می توان میزان تبعیض بر علیه بخش کشاورزی را در کشورهای در حال توسعه، به کمک مقدار حمایتی که از بخش صنعت به عمل می آید و موجب کاهش سودآوری نسبی بخش کشاورزی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه گشته است، نشان داد. در نمونه ای منتخب از کشورهای در حال توسعه، به استثنای کره جنوبی، تمامی کشورهای مورد انتخاب نگرشی تبعیض آمیز بر علیه بخش کشاورزی داشته اند.

شایان ذکر است که در رابطه با این موضوع، مؤسسات مالی چند جانبه در برنامه های وام دهی دهه ۱۹۸۰ خود (در رابطه با تعدیلات ساختاری و تثبیت اوضاع)، تأکید بر آن داشته اند که کشورهای در حال توسعه می باید سیاست های خود را در رابطه با بخش کشاورزی تغییر دهند. این تغییرات شامل تغییر ساختار حمایت ها (خواه در رابطه با

مأخذ:

قیمت گذاری و خواه موارد دیگر)، و نیز توسل به آزادسازی تجارت به منظور یکسان سازی سطح قیمت های داخلی با قیمت های خارج از مرز، می شود. همچنین «استراتژی توسعه بین المللی» مرتبط با «چهارمین دهه توسعه سازمان ملل» که در دسامبر ۱۹۹۰ توسط مجمع عمومی این سازمان مورد تصویب قرار گرفت، در رابطه با عدم توسعه بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه خاطر نشان می سازد که در این کشورها می باید تولیدات کشاورزی افزایش یافته تا نه تنها به رشد اقتصادی آنها در دهه ۱۹۹۰ کمک شود، بلکه امنیت غذایی و درجه خوداتکائی این کشورها نیز تقویت گردد. گرچه استراتژی یاد شده بگونه ای رسمی مبادرت به پیشنهاد نرخ رشد معینی برای تولیدات کشاورزی و مواد غذایی کشورهای در حال توسعه نمی نماید، لکن خاطر نشان می کند که حصول نرخ رشد سالانه ای در حدود ۴ درصد در تولید مواد غذایی، می تواند در امنیت غذایی و توسعه کشاورزی - صنعتی کشورهای در حال توسعه کمک عمده ای محسوب گردد. استراتژی مذکور خواهان اقداماتی ملی و بین المللی جهت افزایش تولیدات کشاورزی و میزان بهره وری کشورهای در حال توسعه نیز می باشد.

UNCTAD, *Trade and Development Report 1991* (New York: UN pub., 1991), pp. 147-